



اتاق نارنجی

O R A N G E R O O M



اسکار برای شب شارل گارنیه

به مناسبت پایان اجرای موزیکال
شبچ اپرا پس از ۳۵ سال

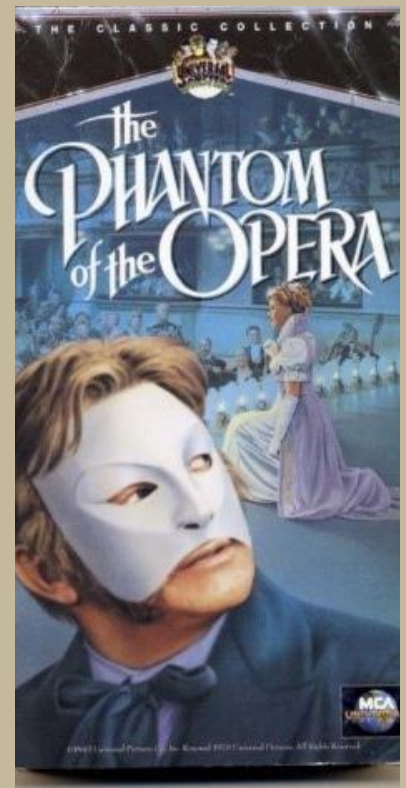


پس از ۳۵ سال و نزدیک به ۱۴ هزار اجرا، پرده‌های تئاتر برادوی برای آخرین بار، بر موزیکال جاودانه شبچ اپرا فرو افتاد. این نمایش موزیکال، رکورد طولانی‌ترین دوره اجرا در تاریخ برادوی نیویورک را در اختیار دارد.

شبچ اپرا به آهنگسازی اندرو لوید وبر، در ژانویه ۱۹۸۸ برای نخستین بار در تئاتر برادوی به روی صحنه رفت و به نمادی برای این تئاتر معروف تبدیل شد. این نمایش در طول ۳۵ سال، بیش از ۲۰ میلیون نفر را سرگرم کرد و بیش از ۱.۴ میلیارد دلار بلیت فروخت. این موزیکال که اقتباسی از رمانی با همین نام و اثر گاستون لورو، نویسنده فرانسوی است موفق به کسب ۷ جایزه تونی شد. این رمان، داستان یک نابغه موسیقی با صورتی دیده به نام اریک است که به خاطر عشقی که به یکی از آوازه‌خوان‌های زن اپرا به اسم کریستین دانه دارد دست به ارباب در اپرای گارنیه پاریس می‌زند تا موجبات پیشرفت محبوبش را در کار اپرا فراهم آورد. او همچنین به صورت مخفیانه به آموزش کریستین می‌پردازد (اینستاگرام یورونیوز).

اگرچه بسیاری از ما ایرانی‌ها از تماشای این موزیکال محروم ماندیم، اما فیلم جاودانه‌ای هم از این موزیکال ساخته شده است که طراحی صحنه آن موفق به کسب جایزه اسکار شد! در این شماره از بولتن اتاق نارنجی به طراحی صحنه این فیلم از زاویه‌ای دیگر پرداخته‌ایم و دو طراح این اثر را معرفی کرده‌ایم. تماشای این فیلم را به همه توصیه می‌کنیم.

۱۹۴۴ شبح اپرا



نویسندگان فیلمنامه: گاستون لورو^۱ (رمان)، اریک تیلور^۲، ساموئل هافنستین^۳
کارگردان: آرتور لوپین^۴
فیلمبرداران: دبلیو هوارد گرین^۵، هال مور^۶
تهیه‌کنندگان: جک جی گراس^۷، جورج واگنر^۸
مدیران هنری: الکساندر گولیتزن^۹، جان بی گودمن^{۱۰}
طراح دکور: راسل ای گاسمن^{۱۱}، ایرا وب^{۱۲}
سازنده مجسمه برنزی کریستین دوپوا^{۱۳}: نلسون ادی^{۱۴}
جلوه‌های ویژه: تیم بار^{۱۵}
جلوه‌های تصویری: جان پی فالتون^{۱۶}
راسل لاوسون^{۱۷}
بازیگران: نلسون ادی، سوزانا فاستر^{۱۸}، کلود رینز^{۱۹}، ادگار باریر^{۲۰}، لئو کاریلو^{۲۱}، جین فرار^{۲۲}، جی ادوارد برامبرگ^{۲۳}، فریتز فلد^{۲۴} و...

اسکار برای شبح شارل گارنیه

زمانی که فیلم *ارتفاع پست* ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا ساخته شد، بسیاری منتظر بودند تا در جشنواره فیلم فجر، سیمرغ طراحی صحنه به آن اختصاص یابد. این در حالی بود که گروه تولید و طراح صحنه اثر به دلیل حجم بسیار سکانس‌های داخلی که در یک هواپیمای فوکر می‌گذشت، مبادرت به ساخت کابین چنین هواپیمایی کرده بودند. با این حال، داوران بیستمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۰) از اعطای این جایزه به عبدالحمید قدیریان خودداری کرده و سیمرغ یاد شده را به ژیلای مهرجویی برای فیلم *خانه‌ای روی آب* اهدا کردند. تصمیمی که کاملاً درست و منطقی به نظر می‌رسد.

بی‌تردید، این‌که یک فضای داخلی را با کمترین خطا نسبت به نمونه واقعی و موجود آن بتوان احداث کرد را نمی‌توان طراحی صحنه یا طراحی تولید دانست. به عبارت دیگر اصولاً طراحی‌ای صورت نگرفته و به نوعی، شیوه مهندسی معکوس صورت گرفته و یک فضای واقعی، مجدداً بازتولید شده است. در این شرایط، قطعاً

موانع تولیدی باعث شده‌اند این‌گونه فضاها بازسازی شوند. در صورت عدم وجود چنین موانعی، قطعاً فیلمسازان به سراغ همان لوکیشن‌های واقعی رفته و اثر خود را در این اماکن تولید می‌کردند. حال پرسش اصلی این‌جاست که آیا در چنین مواردی، در تیتراژ یک اثر می‌توان از عنوان طراح تولید استفاده کرد؟ یا باید به نام مجری طرح (اصلی) یا دکور بسنده کرد؟ در فیلم *شبح اپرا*، غالب صحنه‌ها در اپرای پاریس می‌گذرند. بر اساس اطلاعات موجود، فیلم در خود اپرای پاریس ساخته شده است. غیر از لوکیشن‌هایی نظیر اتاق کریستین، اتاق کلودین، دفتر پلایل و فاضلاب زیر اپرای پاریس (که آن هم الهام از حقیقت واقعی بوده و به دریاچه زیر اپرا در زمان احداث آن اشاره می‌کند) و چند پلان محدود خیابانی، آیا فضای دیگری برای طراحی تولید باقی مانده است؟ فضای طراحی شده‌ای که استحقاق دریافت جایزه اسکار بهترین مدیریت هنری را داشته باشد؟

نگاه کنیم به سایر نامزدهای اسکار مدیریت هنری در شانزدهمین دوره برگزاری مراسم اهدای این جوایز و غول‌های طراحی‌ای که در آن حضور داشتند. فیلم‌هایی نظیر *زنگ‌ها برای که به صدا در می‌آیند*^{۲۵} به مدیریت هنری



طراحی صحنه گولیتزن برای دریاچه زیر اپرای پاریس



هانس درایر/۲۶ و هالدان دوگلاس/۲۷، دارو دسته این جایی/۲۸ به مدیریت هنری جیمز باسوی/۲۹ و جوزف سی رایت/۳۰، این ارتش است/۳۱، به مدیریت هنری جان هیوز/۳۲ و ال تی جان کونینگ/۳۳ و بالاخره فیلم زیبای هزاران سلامتی/۳۴ به مدیریت هنری سدريک گیبونز/۳۵ و دنیل بی کثکارت/۳۶.

در این میان، باید اعتراف کرد طراحی تولید فیلم شبخ اپرا بی نظیر است. همه چیز در اوج زیبایی و کاربرد هستند. هیچ عنصری را نمی‌توان از پلان‌ها حذف یا به آن‌ها اضافه کرد. در این صورت صحنه‌پردازی دچار اختلال می‌شود. با این حال، آیا شکل‌گیری این تصاویر را باید مربوط به نوغ گولیتزن دانست؟ یا پای شخص دیگری در میان است. معمار بزرگی به نام شارل گارنیه/۳۷.

به زعم نگارنده، مدیر هنری این اثر را بدون شک باید شارل گارنیه دانست که پس از گذشت ۴۶ سال از مرگ او، شبخ وی می‌توانست بر صحنه مراسم اهدای جایزه اسکار حاضر شده و تندیس زرین مرد شمشیر به دست را از آن خود سازد. بدین ترتیب، توصیه می‌کنیم درباره شارل گارنیه و شاهکار بی‌بدیش - اپرای شارل گارنیه - مطالعه کرده و تصاویر آن را مشاهده کنید.

الکساندر گولیتزن در یک نگاه

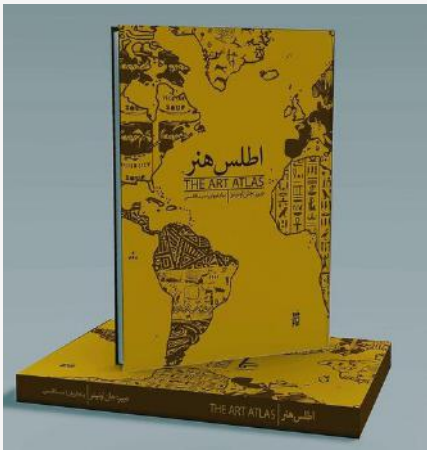


با والتر وانگر/۳۹ (تهیه‌کننده) شروع کرد و این دو در تولید بسیاری از آثار سینمایی با یکدیگر همکاری کردند. از سال ۱۹۴۲ تا ۳۰ سال بعد، الکساندر در مقام مدیر هنری و بعدتر به عنوان مدیر هنری ناظر در کمپانی یونیورسال، بر تولید ده‌ها فیلم نظارت کرد. الکساندر گولیتزن در سال ۱۹۴۰ برای طراحی تولید فیلم خبرنگار خارجی/۴۰ نامزد دریافت جایزه اسکار شد. در ادامه، برای ۳ فیلم شبخ اپرا (۱۹۴۳)، اسپارزاکوس/۴۱ (۱۹۶۰) و کشتن مرغ مقلد/۴۲ (۱۹۶۲) موفق به ربودن تندیس اسکار شد. او همچنین برای طراحی تولید فیلم‌های غروب/۴۳ (۱۹۴۱)، شب‌های عربی/۴۴ (۱۹۴۲)، اوج/۴۵ (۱۹۴۴)، آهنگ فلاور-درام/۴۶ (۱۹۶۱)، لمس مینک/۴۷ (۱۹۶۲)، گامبیت/۴۸ (۱۹۶۶)، میلی کاملا مدرن/۴۹ (۱۹۶۷)، خیریه شیرین/۵۰ (۱۹۶۹)، فرودگاه/۵۱ (۱۹۷۰) و زلزله/۵۲ (۱۹۷۴) نامزد جایزه اسکار شد. الکساندر گولیتزن، مدت چندین سال در هیئت

شاهزاده الکساندر گولیتزن، در ۲۸ فوریه ۱۹۰۸ در مسکو به دنیا آمد. او یک طراح تولید آمریکایی بود که در روسیه متولد شده بود. گولیتزن در طول فعالیت هنری خود، بر طراحی تولید بیش از ۳۰۰ فیلم نظارت کرد.

الکساندر در خانواده اشرافی گولیتزن به دنیا آمد و در هنگامه انقلاب کبیر روسیه همراه والدین خود از کشور گریخت. آن‌ها از طریق سیبری و چین سفر کرده و در نهایت به سیاتل در ایالت واشنگتن آمریکا رسیدند. الکساندر در این شهر دوران دبیرستان خود را سپری کرد و در ادامه وارد رشته معماری در دانشگاه واشنگتن شد.

او سپس به لس‌آنجلس نقل مکان کرد و به عنوان دستیار الکساندر تولوبوف/۳۸ مدیر هنری مترو گلدوین میر، فعالیت حرفه‌ای خود در زمینه طراحی تولید را آغاز کرد. الکساندر کار خود را در سال ۱۹۳۹،



**Carwan
Dourandich**

*\Graphic Designer]

Instagram:
@Carvvan

LinkedIn:
/Carvvan



مدیر بولتن: پیام فروتن
طراح هنری: کاروان دوراندیش
حامی مالی: میلاد قلیچ

ORANGE ROOM

کلیه حقوق معنوی بولتن متعلق به پیام فروتن بوده و هرگونه کپی برداری و استفاده از مطالب آن ممنوع است. مجوز کسب اجازه کتبی از وی می باشد.

1. Gaston Leroux
2. Eric Taylor
3. Samuel Hoffenstein
4. Arthur Lubin
5. W. Howard Greene
6. Hal Mohr
7. Jack J. Gross
8. George Waggnner
9. Alexander Golitzen
10. John B. Goodman
11. Russell A. Gausman
12. Ira Webb
13. Christine DuBois
14. Nelson Eddy
15. Tim Baar
16. John P. Fulton
17. Russell Lawson
18. Susanna Foster
19. Claude Rains
20. Edgar Barrier
21. Leo Carrillo
22. Jane Farrar
23. J. Edward Bromberg
24. Fritz Feld
25. Whom the Bell Tolls
26. Hans Dreier
27. Haldane Douglas
28. The Gang's All Here
29. James Basevi
30. Joseph C. Wright
31. This Is the Army
32. John Hughes
33. Lt. John Koenig
34. Thousands Cheer
35. Cedric Gibbons
36. Daniel B. Cathcart
37. Charles Garnier
38. Alexander Toluboff
39. Walter Wanger
40. Foreign Correspondent
41. Spartacus
42. To Kill a Mockingbird
43. Sundown
44. Arabian Nights
45. The Climax
46. Flower Drum Song
47. That Touch of Mink
48. Gambit
49. Thoroughly Modern Millie
50. Sweet Charity
51. Airport
52. Earthquake
53. If I Were King
54. The Spoilers
55. It's a Gift
56. W. C. Fields



مدیره آکادمی اسکار نیز حضور داشت. گولیتزن در ۲۶ ژوئن سال ۲۰۰۵ در سن دیگو کالیفرنیا درگذشت (ویکی پدیا).

جان بی گودمن در یک نگاه

جان بی. گودمن در ۱۵ آگوست ۱۹۰۱ به دنیا آمد. او در طول فعالیت هنری خود موفق شد یک بار جایزه اسکار را از آن خود کرده و سه بار دیگر نیز نامزد کسب آن شود. فیلم‌هایی که گودمن برای طراحی تولید آن‌ها نامزد جایزه اسکار شد عبارتند از: *اگر من شاه بودم* (۱۹۳۸)، *ویران‌ساز* (۱۹۴۲) و *اوج* (۱۹۴۴). گودمن در فاصله میان سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۶۸ روی ۲۰۸ فیلم کار کرد. از جمله فیلم *این یک هدیه است* (۱۹۳۴) با بازی دبلیو سی فیلدز (۱۹۴۶). گودمن یک کتابخوان مشهور نیز بود و علاقه خاصی به تاریخ دریایی آمریکا، کشتی‌های قایقرانی اولیه، تاریخ غرب آمریکا، کالیفرنیا و جویندگان طلا داشت. این علاقه شخصی، به شدت در کار حرفه‌ای طراحی تولید، به گودمن کمک کرده و او را قادر می‌ساختند تا صحنه‌پردازی‌های کاملاً دقیق تاریخی را به وجود آورد. گودمن در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۹۱ درگذشت.